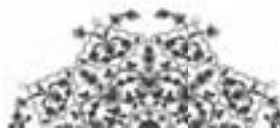
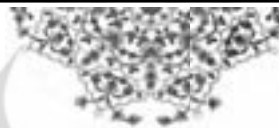


شاهنامه



نواب عالی وقاسمی کتاباد



دکتر فرهاد درودگریان*

اشاره:

حماسه‌های ملی ایران همواره دستمایه آفرینش آثار به نظم و نثر بوده است؛ چنان که روایت‌هایی از این حماسه‌ها پیش از سرایش شاهنامه فردوسی، به نثر و نظم در دست است و برخی نیز در کشاکش دهر از میان رفته است و تنها نامی و نشانی از آنها در کتاب‌ها دیده می‌شود. اما پس از سرودن شاهنامه و ارائه الگویی تمام و کمال از سبک حماسه‌سرایی به شعر فارسی، این شاهکار فردوسی بارها مورد تقلید قرار گرفت و منظومه‌هایی به سبک و سیاق شاهنامه، و البته نه همتا و همسنگ آن، در دوره‌های بعد توسط شاعران فارسی‌گو پدید آمد، که تنها بخشی از این منظومه‌ها روایت‌هایی از حماسه‌های ملی بودند؛ مثل گرشاسب‌نامه اسدی طوسی (قرن ۵)، بهمن‌نامه و کوش‌نامه، از ایرانشاه بن ابی‌الخیر (قرن ۵)، فرامرزنامه (اوایل قرن ۵)، بانوگشاسب‌نامه (قرن ۵)، آذر برزین‌نامه، بیژن‌نامه، لهراسب‌نامه، سوسن‌نامه و برزونامه از خواجه عمید عطایی (اواخر قرن ۵ و اوایل قرن ۶)، شهریارنامه مختاری غزنوی (قرن ۶)، داستان کک کوهزاد (قرن ۶)، داستان شیرنگ (قرن ۶)، داستان جمشید (احتمالاً پس از حمله مغول)، جهانگیرنامه قاسم مادح (احتمالاً قرن ۵) و سام‌نامه خواجه جوی کرمانی (قرن ۷ و ۸).

بیشتر تقلیدهایی که از شاهنامه فردوسی شده و منتهی به پدید آمدن منظومه‌هایی حماسی گشته است، به نقل روایت‌های تاریخی و مذهبی اختصاص دارد. از حماسه‌های تاریخی، که مرحوم استاد دکتر ذبیح‌الله صفا در کتاب حماسه‌سرایی در ایران به تفصیل به ذکر آنها پرداخته‌اند، اینها را می‌توان برشمرد:

اسکندرنامه نظامی گنجوی (قرن ۶)، آیینة اسکندری امیر خسرو دهلوی (قرن ۷)، خردنامه اسکندری جامی (قرن ۹)، اسکندرنامه بدرالدین عبدالسلام (قرن ۱۰)، همگی در شرح حوادث روزگار اسکندر مقدونی و وصف لشکرکشی‌های او در مشرق‌زمین، شاهنشاه‌نامه مجدالدین محمد پاییزی (قرن ۶ و ۷)، در شرح فتوح سلطان محمد خوارزمشاه، ظفرنامه حمدالله مستوفی (قرن ۸)، در بیان تاریخ ایران از ظهور اسلام تا عهد شاعر، شهنشاه‌نامه احمد تبریزی (قرن ۸)، در شرح احوال جنگیزخان مغول، کرت‌نامه صدرالدین ربیعی پوشنگی (قرن ۸)، در احوال فخرالدین محمد بن ملک شمس‌الدین کهن، از سلاطین آل کرت، سام‌نامه سیف‌الدین محمد بن یعقوب الهروی، مؤلف تاریخنامه هرات (قرن ۸)، در وصف دلیری‌های محمد سام و جنگ‌های او با دانشمند بهادر، بهمن‌نامه آذری طوسی (قرن ۹)، در شرح سلطنت سلاطین بهمنی در هند، تَمَرنامه (یا تیمورنامه) مولانا هاتمی (قرن ۹ و ۱۰)، در شرح تاریخ تیمور، شاهنامه‌ای در بیان فتوح شاه اسماعیل صفوی، منسوب به هاتمی (قرن ۹ و ۱۰)، جنگ‌نامه کشم (قسم)، از شاعری به نام قدری (قرن ۱۱)، در شرح اشغال کشم و حوالی هرمز توسط پرتغالی‌ها و درگیری امام‌قلی‌خان، جرون‌نامه، از همان سراینده، در وصف فتح بندر جرون و راندن پرتغالی‌ها، شهنشاهنامه فتحعلی‌خان صبا (قرن ۱۲) و منظومه‌های متعدد دیگر.

اما سه منظومه مهم تاریخی قرن دهم که به تقلید از شاهنامه فردوسی سروده شده، متعلق است به میرزا قاسم قاسمی کتابادی: شاه‌رخ‌نامه، راجع به سلطنت شاه‌رخ، پسر امیر تیمور گورکانی، شهنامه قاسمی (یا شهنامه ماضی)، در شرح سلطنت شاه اسماعیل صفوی و پسرش، شاه‌تهماسب، و شهنامه نواب عالی، در بیان سلطنت شاه‌تهماسب صفوی. مقاله حاضر، به همین منظومه اخیر و سراینده آن، قاسمی کتابادی می‌پردازد.



طراحی از چهره شاه تهماسب صفوی

مقدمه:

هدف اساسی این مقاله، معرفی بررسی و تصحیح انتقادی نسخه خطی شاهنامه نواب عالی، اثر قاسمی گنابادی، به منظور احیا و بازشناسی بخشی از جایگاه فرهنگ، زبان، ادبیات و تاریخ کشور است. از سوی دیگر، با احیای این اثر، بخشی از سیر و روند شعر فارسی (حماسی-تاریخی) ایران بر ما آشکار می‌شود و یکی از متون ارزشمند ادبی و تاریخی دوره اوایل صفویه از بوته فراموشی خارج می‌گردد و برای استفاده در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار می‌گیرد.

شعر در دوره صفویان، به‌ویژه دوران شاه تهماسب

شاه تهماسب پس از توجه مبالغه‌آمیز به مذهب، به شاعران کم‌التفات شد. او شاعران را پایبند انجام فریضه‌های مذهبی و رعایت امر به معروف و نهی از منکر نمی‌دانست (اسکندریک ۱۳۵۰: ۱۷۸). شاه تهماسب شعرهای غیرمذهبی و دیوان شاعران را زینبار می‌دانسته است؛ ولی جای شگفتی است که با وجود تأکید وی درباره پسر خردسالش، خود دیوان شاعران را مطالعه می‌کرده و شعرهای بسیاری را حفظ بوده است و خود نیز شعر می‌گفت (مستوفی ۱۳۶۲: ۴۹).

در تذکره منسوب به شاه تهماسب بیت‌هایی از شاعران مختلف، از جمله نظامی، حافظ، سعدی و هفت‌بند مولانا حسن کاشی ثبت شده است. کثرت تعداد صفحه‌ها و ابیات، گواه آن است که شعر در زندگی شاه تهماسب نیز راه خود را باز کرده و در آن نفوذ نموده است (شاه تهماسب، ۱۳۴۳)

ادوارد براون از علامه محمد قزوینی علت عدم وجود شاعران بزرگ در دوره صفویه را جویا شد؛ او در پاسخ گفت: «شک نیست که در عهد صفویه ادبیات و شعر فارسی به پایه پستی افتاده است و حتی یک شاعر درجه اول هم در این عصر به ظهور نیامده است». او پس از توضیح خشونت عالمان مذهبی نسبت به صوفیان و تبعید و کشتن آنان، می‌گوید: «علاقه و رابطه شعر و ادبیات با تصوّف و عرفان در ایران واضح و مبرهن است؛ به طوری که اطفای یکی، موجب اعدام و اضمحلال دیگری خواهد بود».

اما احسان یارشاطر در نوشته خود به نام ادبیات عصر صفویه، نظر پیشینیان را درباره تنزل کیفیت شعر در دوره صفویان مورد تجدیدنظر اساسی قرار داده است. او روشن می‌کند که شعر آن دوران با قدرت تخیل و اندیشه، به توصیف مضمون‌های تازه پرداخته و شاعران کمتر به دنباله‌روی از پیشینیان پرداخته‌اند. از ویژگی‌های برجسته این راه تازه، سادگی کلمه‌ها، نزدیک بودن آن به زبان مردم و تعمق در زندگی روزانه و اجتماعی مردم برای کشف مضمون‌های تازه بود. در گذشته، شاعران چون به پادشاهان و قدرتمداران توجه داشتند، مضمون‌های محدود و گاهی مشابه برای سرودن داشتند. روی آوردن به مردم و زندگی آنان، که سرشار از مضمون‌های بکر و گوناگون است به دنیای شعر دامنه پهناور و جانی تازه داد. او تصریح می‌کند اگر کسی بخواهد گلچینی از تک‌بیتی‌های شعر فارسی تهیه کند، ناگزیر باید تعداد زیادی از اشعار شاعران این دوره، به ویژه صائب، را انتخاب نماید. به عقیده یارشاطر، شاعران صفوی در مضمون‌های تازه،

تشبیهات یا استعارات نو و تمثیلات تازه، و در توصیف یک احساس، نظیر حسادت، ظرافت فوق‌العاده و قدرت تخیل را به کار گرفته‌اند. او تصریح می‌کند شعر دوران صفویه برای پیشرفت خود بهایی پرداخته است. در شعر پیش از تیموریان، نه تنها رابطه صحیحی بین کلمه و معنا وجود دارد، بلکه کلمه‌ها با ظرافت تحسین‌انگیزی انتخاب شده‌اند. این مزیت در شعر دوران صفویان دیده نمی‌شود. افزون بر آن، استعاره‌های دور از ذهن معمول گردید و بر پایه آن استعاره‌ها و تشبیه‌های ناآشنایی که خواننده در فهم آنها با دشواری روبه‌رو می‌شود، به وفور رایج شد. شاعران در پایان این دوره به پیچیده‌تر کردن بیان اندیشه و توصیف معماگونه احساس پرداختند.

در خاتمه می‌توان شیوه سخنوری و ویژگی‌های شعر از اوایل تا میانه دوران صفوی را به ترتیب زیر جمع‌بندی کرد (صفا ۱۳۷۵: ج ۵، فصل ۵):

۱. شعر، مانند هنر این دوره، به طرف وضع و حالتی حرکت می‌کرد که در اواخر قرن نهم پدید آمده بود؛ یعنی به سمت نکته‌سنجی، مضمون‌آفرینی، خیال‌پوری و سادگی زبان.

۲. در این دوره تعدد و تنوع سبک‌ها از موضوعاتی است که نباید از نظر دور بماند.

۳. اگرچه اندیشه نوآوری تقریباً میان همه شاعران این دوره رواج داشت، اما توجه خاص به تتبع و تقلید اثرهای معروف گذشتگان، همچنان به قوت سابق برقرار بود و استادانی چون خاقانی و انوری و ظهیر و کمال‌الدین اسمعیل، در قصیده، و غزلگویی از سعدی تا فغانی، و حماسه‌سرایی از فردوسی تا هاتفی، و داستان‌سرایی چون نظامی و خسرو دهلوی و جامی، در این نهضت «نظیره‌گویی» و «استقبال» یا «تتبع» و «جواب‌گویی» مورد توجه و عنایت گویندگان بودند.

۴. استفاده بیش از حد شاعران از تشبیه و استعاره

۵. اقتران با طبیعت و محیط زندگانی شاعران، یعنی بر گرفتن فکر و مضمون و نکته از آنچه در دور و بر آنان، بود، بسیار مشاهده می‌شود.

زندگی‌نامه قاسمی گنابادی:

میرزا قاسم، یا میرزا محمد قاسم (الحسینی) قاسمی گنابادی یا گنابادی، یا جنابادی (جنابدی)، یا گون‌آبادی، متخلص به قاسمی (یا با نام مستعار قاسمی) فرزند میرسیدعبدالله حسینی، مشهور به امیر (میر) سید جنابزی، در سال ۹۳۰ هـ ق احتمالاً در گناباد (جنابد) خراسان در خاندان شریفی از سادات که مقام ریاست کلانتری شهر را به طور موروثی بر عهده داشتند، دیده به جهان گشود (صفا ۱۳۵۷: ۷۱۷ - ۷۲۹). وی این مقام را بعد از پدرش، که همیشه پیشوا و مقتدای آن ولایت بوده، به ارث برده بود؛ اما به برادرش، میرزا ابوالفتح واگذار کرد و زندگی‌اش را وقف فقر و فقرا نمود و به شاعری پرداخت (آذر بیگدلی، ۱۳۳۷: ۹-۲۷۸)،

مؤلف میخانه می‌نویسد: «اما میر مذکور با وجود بذل و سخا و کرم و علو شأن، دائم به مضمون بلاغت مشحون «الفقر فخری» عمل کرده، به طریقه اتمه - علیهم‌السلام - اوقات می‌گذراند و درویشی و فقر او زیاده از آن است که تعریف توان کرد» (قزوینی ۱۳۶۳: ۱۶۹) او از سادات عصر شاه‌تیماسب صفوی است. در شعر و ادب شاگرد هاتفی، شاعر معروف، بود و در دانش عقلی، به ویژه ریاضی، از محضر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی (۹۰۰-۹۴۸ هـ ق) بهره برد. (صفا: همان) او به مزید علم و عبادت و فهم و فراست از امثال و و اقران ممتاز و مستغنی بود و در شعر و عروض و معما سرآمد بود. از مشاهیر قرن دهم و از جمله شاعرانی است که هر دو دوره تیموری و صفوی را درک کرده است. در آغاز قرن دهم از ملازمان شاه اسماعیل شد و مدتی از شاعران دربار او به شمار می‌رفت. او به دربار شاه تیماسب نیز راه یافت و دو مثنوی برای آنها سرود (نصیری ۱۳۸۵: ۳۲۶). قاسمی شاعری معروف و به بلندی طبع موصوف بود و بیشتر اوقات در وادی مثنوی‌گویی می‌شتافت. همه قسم شعر را می‌سرود، اما در مثنوی سرآمد بود و بی‌تکلف، مدح‌گستری بی‌بدل است و در این زمانه کسی مانند او مثنوی نسروده است (صفا: همان).

قاسمی پس از مدتی، به سبب عدم دریافت صله از شاه‌تیماسب، از ملازمت او کناره‌جست و به نزد سلطان محمودخان، والی دیار بکر، رفت و منظومه‌ای به بحر متقارب، همان‌گونه که برای شاه اسماعیل و شاه تیماسب سروده بود، برای این سلطان در بیان جنگ‌ها و پیروزی‌هایش سرود (نفیسی ۱۳۴۴: ۴۰۷).

او سرانجام در سال ۹۸۲ هـ ق (یا ۹۸۴ هـ ق) در همان دیار غربت چشم از زندگی فروبست (صفا: همان).

آثار او:

قاسمی، بعد از هاتفی، استاد سلف خویش، سعی کرد وقایع زمان پرآشوب صفویان را به سبک داستان تاریخی به سبک نظم درآورد (اته ۱۳۵۱: ۶۳۹). در سخن قاسمی تأثیر مستقیم پیروان نظامی، به ویژه جامی و هاتفی، آشکار است. از ویژگی‌های مثنوی‌هایش، آوردن ابیات بسیار در توحید و ستایش پیامبر اکرم است، که البته در بنیاد، همان است که نظامی و مقلدانش کرده‌اند. آشکار است که در عهد چیرگی تشیع، ستایش علی بن ابی‌طالب (ع) هم بر آنچه بود، افزوده می‌شد. آثار او به ترتیب زمانی عبارتند از:

۱. شاهنامه ماضی: شاهنامه ماضی یا اسماعیل‌نامه یا شاهنامه اسمعیل یا شاهنشاهنامه یا شاهنشاهنامه، ۳ قسمت اول شاهنامه قاسمی است که در شرح سلطنت شاه اسماعیل صفوی، از ۹۰۹ تا ۹۳۰ هـ ق / ۲۴-۱۵۰۳ م تا ۹۴۰ هـ ق، یعنی تا ده سال پس از مرگ شاه اسماعیل، در ۴۳۰۰ بیت به دستور شاه‌تیماسب اول، پسر شاه اسماعیل، سروده شده است (صفا ۱۳۷۹: ۳۶۶).

شاهنامه قاسمی کاملاً تحت تأثیر اسکندرنامه نظامی و سبک او،

از جمله سرودن ساقی‌نامه‌هاست.

۲. **شاهنامه نواب عالی (اعلی):** بنا بر اهمیتش در پایان آثار توضیح خواهد داد.

۳. **شاهرخ‌نامه:** مثنوی دیگری از قاسمی در بحر متقارب است. شاهرخ‌نامه درباره پادشاهی و جنگ‌های شاهرخ تیموری (۸۰۷-۸۵۰هـ.ق / ۷-۱۴۰۵م) و پادشاهی شاه‌تیماسب سروده شده و با مدح پادشاه صفوی آغاز می‌شود (صفا ۱۳۷۵: ۷۲۱).

۴. **لیلی و مجنون:** این منظومه نیز به نام شاه‌تیماسب در ۲۵۴۰ بیت به تقلید از لیلی و مجنون نظامی سروده شده است (همان: ۷۲۳).

۵. **کارنامه یا چوگان‌نامه یا گوی و چوگان:** قاسمی آن را به دستور شاه‌تیماسب، در وصف گوی‌بازی شاه اسماعیل، در سال ۹۴۷هـ.ق بر وزن لیلی و مجنون نظامی در ۱۵۰۰ بیت در مدت سه هفته سروده است (همان).

۶. **خسرو و شیرین:** این، منظومه به نام سام‌میرزا، پسر شاه اسماعیل، در ۳۰۰۰ بیت در سال ۹۵۰هـ.ق سروده شده است (همان).

۷. **زبدة الاشعار:** منظومه حکمی و عرفانی است که به وزن و تقلید از مخزن‌الاسرار نظامی در ۴۵۰۰ بیت سروده شده است. (صفا: همان).

۸. **ساقی‌نامه‌ها:** قاسمی ساقی‌نامه‌های بسیاری را در خلال شاهنامه‌های خویش سروده است که برخی از آنها به نام‌های شاه ستاره سپاه، خواجه حبیب الله وزیر و جمجاه دین‌پناه است. (قزوینی ۳۶۳: ۲۷۹).

۹. البته از او عمده‌الاشعار (در وصف کعبه و مدینه)، عاشق و معشوق، خلاصه‌الاشعار، غزلیات، رباعیات و تکبیتی‌هایی هم به جا مانده است (همان).

شاهنامه نواب عالی (اعلی):

طهماسب‌نامه یا شاه‌تیماسب‌نامه، که در تاریخ دوران شاه‌تیماسب، از ۸۴-۹۳۰هـ.ق / ۷۶-۱۵۲۴م تا سال ۹۶۷هـ.ق و

در واقع شاهنامه قاسمی، یعنی هم

شاهنامه ماضی و هم شاهنامه نواب عالی،

تالی و ثانی تذکره شاه‌تیماسب صفوی، به

قلم شاه‌تیماسب اول است که وقایع زمان

آغاز صفویان را به زبان شعر بیان کرده

و در ضمن ذکر وقایع تاریخی، به پند و

اندرز و بیان حقایق نیز پرداخته است

یروقت شاهنامه
قاسمی یعنی هم
شاهنامه ماضی و
شاهنامه نواب
علی تلی و ثانی

شرح وقایع، جنگ‌ها و پیروزی‌های او، در بحر متقارب و در ۵۰۰۰ بیت سروده شده و نسخه‌ای از آن در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است؛ و به ویژه وقایع آن بر روابط شاه‌تیماسب با سلطان بایزید و سلطان سلیمان عثمانی مربوط می‌شود. البته نسخه مورد نظر ما در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است:

جهان داورا، کبریایی تو راست

خدایی تو را، پادشاهی تو راست (صفا ۱۳۷۹: ۳۶۶)

این دو شاهنامه همان است که بعضی از تذکره‌نویسان مجموع آنها را **شاهنامه‌نامه** نامیده و عدد بیت‌های آن را ۹۰۰۰ نوشته و گفته‌اند: «در دفتر دوم، مرقوم قلم مشکین‌رقم خود فرموده است». شاعر نیز این دو منظومه را یک «نامه» در دو دفتر قلمداد کرده و درباره این دو دفتر و شماره بیت‌های آن گفته است (صفا ۱۳۷۵: ۷۲۳):

چو در نامه کردم علم خامه را

رقم بر دو دفتر زدم نامه را

پس از مدتی کاخترم داد کام

یکی زان دو صیدم درآمد به دام

بود عقد این گوهر آبدار

ز روی عدد چار باره هزار

بنابراین تعداد بیت‌های این «دفتر» نخستین ۴۰۰۰ است و اما درباره دفتر دوم از «نامه»‌ای که آغاز کرده و آرزوی تمام کردن آن را داشته، چنین گفته است:

گهرها که آورده‌ام در شمار

شمارش بود پنج باره هزار

و بدین گونه تعداد بیت‌های آن ۵۰۰۰ است. (همان)

در واقع شاهنامه قاسمی، یعنی هم شاهنامه ماضی و هم شاهنامه نواب عالی، تالی و ثانی تذکره شاه‌تیماسب صفوی، به قلم شاه‌تیماسب اول است که وقایع زمان آغاز صفویان را به زبان شعر بیان کرده و در ضمن ذکر وقایع تاریخی، به پند و اندرز و بیان حقایق نیز پرداخته است.

ویژگی‌های سبکی

ما به این منظور به بررسی ویژگی‌های سبکی متن حاضر در سه حوزه زبانی (آوایی، لغوی و نحوی)، فکری و ادبی می‌پردازیم:

الف. زبانی:

۱. **آوایی:** به تقلید از فردوسی برای شاهنامه خویش، از وزن فعولن فعولن فعل (بحر متقارب مثنی محذوف) استفاده نموده است.

بنای قافیه در اشعار قاسمی بر الفاظ نسبتاً ساده استوار است؛ ولی به دفعات، از انواع ردیف‌های فعلی نیز در مثنوی خویش استفاده می‌کند.

- فعل دعایی:

ز نو هر دمش میوه تازه باد

وز آن میوه عالم پرآوازه باد (۳۱۸۹)^۱

- ماضی ساده:

سلیمان به بلقیس دوران رسید

خضر بر لب آب حیوان رسید (۳۱۸۲)

- انواع جناس:

- بین تازنده و تا زنده، جناس مرکب وجود دارد.

به مدح تو تا زنده، تازنده‌ام

به بوی تو چون غنچه دل زنده‌ام (۴۳۵)

- تسجیع:

- در مصراع اول، طرد و عکس یا تبدیل و عکس و در مصراع دوم،

تجنیس مع التصریح دارد و تمام بیت موازنه دارد:

عظام صدور و صدور عظام

اعالی مصر و اهالی شام (۳۲۱۱)

۲. لغوی

- داستان خضر نبی (ع) به اشکال گوناگون و بسامد بسیار بالا مشاهده می‌شود؛ مانند:

خضر در طواف درش روز و شب

ز خاک رهش آب حیوان طلب (۱۶۳۹)

- شاعر از لغات عربی، به خصوص از آیات و احادیث، اسامی خاص اعراب، ستاره‌ها، پادشاهان و پهلوانان اساطیری در جای جای شاهنامه خویش استفاده کرده است. همچنین نحوه کاربرد لغات در ساقی‌نامه‌های او جلب توجه می‌کند.

۳. نحوی

* برخی از ویژگی‌های دستور تاریخی در شعر او دیده می‌شود:

- اندر به جای (در) در فعل پیشوندی:

به هم گرگ و میش اندر آویخته

چو معشوق با عاشق آمیخته (۳۵۶)

- برای مسند مفرد، فعل جمع آمده است:

تویی آفتاب سعادت مدار

که هر ذره‌اند از تو امیدوار (۸۴۷)

- افعال ماضی استمراری، «رفتی»، «شدی»، «نامدی» و «آمدی»،

در ساختار قدیم ماضی استمراری آمده است:

ز پیکان چو رفتی به بالا خدنگ

شدی پر نجوم آسمان دورنگ (۱۱۹۰)

ز دیوار او نامدی سنگ کین

ز روز ازل تا ابد بر زمین (۱۱۷۴)

چو زیر آمدی از هوا تیر کین

برون جست از ناف گاو زمین (۱۱۹۱)

- در بسیاری از ابیات، به جای ضمیر «آن»، «او» آمده است:

جهان از تفکر پر ز اژدر شده

[در او] رومیان چو سمندر شده (۲۰۴۸)

ب. فکری

شاعر به صراحت در مقام امامت و جانشینی حضرت علی (ع) و شیعه بودن خود و صفویان قلم زده است و احساسات خاص مذهبی او تمام شاهنامه را تحت پوشش درآورده است.

علی کو قدم بر ثریا نهاد

به دوش رسولی چنین پا نهاد (۴۱۰۲)

با وجود اینکه این اثر برونگرا (آفاقی) و عینی است و به شرح وقایع و جنگ‌های شاه دوران می‌پردازد، ولی در مناجات‌ها و ساقی‌نامه‌ها، درونگرا (انفسی) و ذهنی می‌شود. در بسیاری از ابیات اصلاً فکری مطرح نیست و فقط عبارت پردازی و لفاظی است.

ج. ادبی

شاعر در جای‌جای اشعار خود از معارف قرآن کریم استفاده کرده است: عَلم‌های کین پرده چشم مهر

چو خیل اولی‌اجنحه بر سپهر (۲۸۰۴)

اشاره است به آیه شریفه «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنِحَةٍ» (قرآن کریم ۱/۳۵).

ز خجالت نهان گشته در پرده حور

که آلوده لب از شراب طهور (۳۱۷)

اشاره است به آیه شریفه «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (قرآن کریم ۲۱/۷۶).

- لَف و نشر مرتب:

به لوح فلک لوح من توأمان

زمین زیب از این دید از آن آسمان (۴۸۷)

- استفاده از پاره‌ای از عقاید و باورهای عامیانه برای

مضمون پردازی:

ز ماه عَلم خسته چرخ دورنگ

چو ماهی که زد سیلی‌ای بر پلنگ (۲۱۴۵)

اشاره است به داستان ایستادن پلنگ در بلندی و حمله کردن به ماه که نشانه غرور آن است.

- استفاده از اصطلاحات نجوم و عقاید ناشی از احکام آن:

منجم که از خود حسابی نیافت

ز تقویم خود فتح بابی نیافت (۲۷)

اشاره است به اصطلاح نجومی فتح باب^۱. در عین حال، ابهام نیز دارد.

- استعاره

آب خضر استعاره از شاهنامه شاعر و جاودانه کردن ممدوح است:

ازین آب خضری که آورده‌ام



تصویر شماره ۱: از نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی

منت خدمت جاودان کرده‌ام (۴۳۸)

- تشخیص (Personification):

- در کلمات قضا و قدر:

قضا کارساز و قدر یار تو

قضا و قدر هر دو در کار تو (۸۴۹)

- تشبیه:

اضافه تشبیهی در ترکیب آهوی چرخ:

فرستم غبار زمین سوی چرخ

کشم سرمه در چشم آهوی چرخ (۸۴۵)

- کنایه:

به خون هژیران بیدادگر

نی تیر کین بسته صد جا کمر (۱۲۰۰)

- کمر بستن، کنایه از آماده کاری شدن است.

- تلمیح

داستان به پرواز درآمدن کی کاووس، پادشاه اساطیری:

چو کاووس اگر بر سپهر برین

رود تیر غیبش زند بر زمین (۴۵۲۸)

- داستان معجزه موسی (ع) و شکافتن رود نیل و گذشتن او و امتش

از رود و غرق شدن فرعون و فرعونیان در آن:

ز نیزه چو موسی عصایی به دست

به فرعون و خیلش در آرم شکست (۲۴۶۸)

- بدیع معنوی

- در ترکیب «چشم یار» از فروع صنعت بدیع معنوی «تناسب»، یعنی

استثنای منقطع مشاهده می‌شود:

ز عدلم کسی فتنه در روزگار

نبیند به جز فتنه چشم یار (۲۶۲۲)

- ایجاز:

به اشعار رومی درآویختند

گرفتند و بستند و خون ریختند (۴۰۰۳)

ویژگی نسخ:

۱- نسخه اساس از کتابخانه آستان قدس رضوی، با توجه به

مشخصات مندرج در صفحه شناسنامه اثر:

شماره: ۹۰۱.

شماره عمومی: ۸۳۸۳.

واقف: سردار کل یار محمدخان افشار.

تاریخ وقف: ۲۵ خرداد سال ۱۳۳۲ ه. ش.

زبان نسخه: فارسی.

رَبِّ سَبِّحِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَتَمِّمْ بِالْحَیْنِ

جهان داورا کرسی تبارت
 بدروزیره شامان کداسی تواند
 تویی ایندوما همبندیم
 تویی کار ساز وجود
 ظهور دو عالم ز نورت بود
 جزالت درین جلوه گاه
 درین کهنه دیرا نچرا از راستی
 جهان از نورتیت اشکرفت
 کک الحمد یا ذوا لبحواد اللکم
 خدای تبار بادشاهی تبارت
 کداسی در کرسی یاسی تواند
 یتلیم خدمت سر افکنده ام
 ز بود تو بود و نبود هم
 دو عالم تهران ز نورت بود
 قصور جلالت بودنی حضور
 صلح خلاقیت در ارج استی
 ناسد بکار تو کس را کفیت
 که ملک کسیر است و دایم

تصویر شماره ۲: از نسخه موزه بریتانیا

عنوان اصلی: مثنویات قاسمی.

موضوع: ادبیات.

نوع خط: نستعلیق.

تعداد سطرها: ۱۵-۱۹ سطر.

مؤلف، سراینده: محمد قاسم گنابادی (وفات سال ۹۸۲ هـ.ق).

(ه.ق).

سال تحریر: ۹۸۱ هـ. ق (قرن ۱۰).

کاتب: حافظ محمد بن قاسمعلی، قرن ۱۰ هـ.ق.

آغاز: بسمله، الهی قاسمی را راه بنمای.

انجام: زین نامه کند سفید رویم، انجام یافت به تاریخ شهر

ذی حجه.

نوع جلد: میسن (چرم دباغی شده گوسفند).

نوع کاغذ: نخودی.

عدد اوراق: ۳۵۶ (از صفحه ۳۸۵ تا ۵۳۳).

اندازه نوشته: طول: ۱۵ و عرض: ۱۱.

قطع و اندازه کتاب: طول: ۲۱، عرض: ۱۶.

جزء کتب: ادبیات.

این نسخه در فهرست نسخه‌های خطی فارسی منزوی (جلد ۴، ص

۲۹۵۷) چنین معرفی شده است:

«(۳۱۸۵۸) - مشهد - رضوی ۹۰۱، ادبیات (۸۲۸۳)، نستعلیق

حافظ محمد، فرزند قاسم علی، رمضان ۹۸۲ (ص ۲۵۱-۳۳۹ و ۳۸۶-

۵۳۲). آغاز دفتر یکم در دیباچه نثری و انجام دفتر دوم افتاده است

[ف. رضوی ۷۷:۷]. همچنین در فهرستواره کتاب‌های فارسی از

همان مؤلف چنین یاد می‌شود: دفتر دوم شاهنامه، در سرگذشت

شاهتیماس (۹۳۰-۹۸۴ ق) در ۵۰۰۰ بیت، در بحر متقارب و به

سال ۹۵۰ ق/ ۱۵۴۳ م سروده است و به نام شاهنامه نواب اعلی

مشهور است.

۲- نسخه دوم در فهرست نسخه‌های خطی فارسی منزوی (جلد

۴، ص ۲۹۵۷) چنین است: نسخه دوم، «۳۱۸۶۵ - موزه بریتانیا -

۸۹۹۱/۱، add: از سده ۱۷ م. (گ ۲-۱۲۶) [ریو ۲: ۶۶۱]. این

نسخه در فهرست میکروفیلم‌ها و نسخ خطی موزه ملی ایران

(محمدرضا ریاضی) چنین معرفی شده است:

«در مثنوی و به فارسی، نستعلیق، بدون رقم، سده ۱۰ هـ

ق، دو صفحه اول مذهب و صفحه سوم با سرلوح، آرایش و جدول در

۲۵۲ صفحه کاغذ خانبالغ، جلد تیماج سوخت زرکوب ترجمی، اندازه

۲۳۲۸×۳۵، وقف آستانه شیخ صفی در ۱۰۱۷، واقف، شاه‌عباس



صفوی، تاریخ و محل تحصیل: ۱۳۱۴/۴/۱۴ آستانه شیخ صفی اردبیلی».

در نسخه‌های خطی دفتر هفتم نشریه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، زیر نظر آقای محمدتقی دانش‌پژوه و آقای ایرج افشار، چنین معرفی شده است:

«۶۰۳- نستعلیق سده ۱۰ و ۱۱، عنوان شنگرف، با یادداشت سلطان محمود بن حسین احمد حسینی ده‌آبادی بیاری، در اول رجب ۱۳۳۰، بغلی».

در اینجا شایان است که برای دستیابی به نسخه قدس و نسخه‌های دیگر، وضعیت کلیه نسخ خطی دفتر دوم شاهنامه قاسمی اشاره شده در فهرست کتب خطی موجود در کتابخانه ملی ملک، وابسته به آستان قدس رضوی، موزه ملی ایران و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را بررسی نمودم و مشخص شد که تمامی آنها مربوط به دفتر اول شاهنشاهنامه، یعنی شاه اسماعیل نامه یا شاهنامه ماضی است.

در خاتمه، شایان ذکر است که نسخه اساس موجود، دارای ۴۹۹۴ بیت و نسخه دوم دارای ۴۱۲۲ بیت است و کل اثر حاضر دارای ۵۵۶۹ بیت. ابیات مشترک دو نسخه، ۳۵۴۷ بیت و ابیات خاص نسخه اساس، که در نسخه دوم موجود نیست، ۱۴۴۷ بیت، و ابیات نسخه دوم که در نسخه اساس موجود نیست، ۵۷۵ بیت است.

در متن و در املاهای کلمات، نکاتی را رعایت کرده‌ایم که

اشاره به برخی از آنها ضروری است:

۱. از علائم نقطه‌گذاری، به‌جز ویرگول در برخی از موارد، حتی الامکان پرهیز شده است.

۲. در بسیاری از موارد، حرف «گ» در نسخه بدون سرکج و به صورت «ک» نوشته شده است.

۳. فعل ربطی «است» بدون همزه به کلمه قبل خود چسبیده است که آن را جدا کرده‌ایم.

۴. حروف دارای سه نقطه، «چ»، «ز»، «پ» و «ش»، با یک نقطه نوشته شده است.

۵. در نسخه قدس، تقریباً در تمام موارد، کلمه «الهی» به صورت «آلهی» نوشته شده است.

۶. کلمات «ترا»، «تراست» و «تست» را به صورت «تورا»، «تورااست» و «توست» نوشته‌ایم.

۷. «ی» نکره یا ربطی را که به «یای» آخرین حرف خود چسبیده است، از هم مجزا نموده‌ایم؛ مانند:

گمراهی ← گمراهی‌ای / آگاهی ← آگاهی‌ای.

۸. علامت جمع «ها» به «های بیان کسر» انتهای کلمات چسبیده و یکی می‌شود که آنها را مجزا کرده‌ایم:

دانه‌ها ← دانه‌ها (بیت ۱۷۸)

۹. تمامی افعالی که برای تأکید به «بای تأکید» و برای نفی به «نون نفی» نیاز دارند، به‌صورت مجزا نوشته شده است که به شیوه رایج

ساقی نامه‌های بسیاری در خلال شاهنامه‌های خویش سروده است که از آنها نام‌های تازه ساز شده‌اند جمجهین پناه است

قاسمی ساقی نامه‌های بسیاری را در خلال شاهنامه‌های خویش سروده است که برخی از آنها به نام‌های شاه ستاره سپاه، خواجه حبیب الله وزیر و جمجاه دین پناه است

۸۶/۸/۲۰، در دانشگاه پیام نور مرکز تهران است.
۲. فتح باب، اصطلاح نجومی است، به معنی اتصال دو ستاره به نظر
یا تناظر، در صورتی که بیت آن دو در مقابل یکدیگر باشد.

کتابنامه

الف. فارسی

- اته، هرمان، ۱۳۵۱، تاریخ ادبیات فارسی. ترجمه دکتر رضازاده شفق. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- براون، ادوارد، ۱۳۱۶، تاریخ ادبیات ایران، از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر. ترجمه رشید یاسمی. جلد چهارم، تهران: ؟
- پارسادوست، منوچهر، ۱۳۷۵، شاه اسماعیل اول، پادشاهی با اثرهای دیرپای در ایران و ایرانی. تهران: شرکت انتشار.
- _____، ۱۳۷۷، شاه تهماسب اول. تهران: شرکت انتشار.
- خواندمیر، امیر محمود، ۱۳۷۰، تاریخ شاه اسماعیل و شاه تهماسب صفوی (ذیل تاریخ حبیب‌السیر). تصحیح و تحشیه محمدعلی جراحی. تهران: نشر گستره.
- روملو، حسن، ۱۳۴۲، احسن‌التواریخ. به سعی و تصحیح چارلس نارمن سیدن. تهران: کتابخانه صدر.
- ریاحی، محمدمبین، ۱۳۶۹، زبان و ادب فارسی در قلمرو ترکان عثمانی. تهران: پاژنگ.
- زرین کوب عبدالحسین، ۱۳۷۵، از گذشته ادبی ایران، مروری بر نثر فارسی و ... چاپ اول، تهران: مؤسسه بین‌المللی هدی.
- سام‌میرزا صفوی، بی‌تا، تحفه سامی، مشتمل بر اسامی و آثار قریب هفتصد شاعر از شعرای نامدار و گمنام. تصحیح و مقابله وحید دستگردی. چاپ دوم، تهران: کتابفروشی فروغی.

امروزی آورده‌ایم؛ مانند:

- به بین ← بین (بیت ۱۱۷)
- نه بیند ← نبیند (بیت ۳۰۲)
- ۱۰. علامت «مد» روی «الف» نوشته نشده است، که ترمیم شده است.
- ۱۱. «های بیان کسره» در اتصال به «یای مصدری یا نسبی» باقی مانده است؛ مانند:
 - فرخنده‌گی ← فرخندگی (بیت ۵۳۰)
 - تیره‌گی ← تیرگی (بیت ۱۳۶۷)
- ۱۲. حرف اضافه «به» به اسم بعد از خود چسبیده است، که آن را به املائی رایج آورده‌ایم.
- ۱۳. بنا بر ضرورت وزن، آینه را به صورت آینه آورده‌ایم.
- ۱۴. کلمات مختوم به «های بیان کسره»، بدون «ها» آمده که به ضرورت وزن آورده شده است.
- ۱۵. بنا بر ضرورت رعایت وزن، علامت «تشدید» را همه جا آورده‌ایم.
- ۱۶. «بی» در کلماتی نظیر: بی‌ستون، بی‌چون، بی‌خود، گاهی سرهم و گاهی جداست، که به املائی رایج، سرهم آورده‌ایم.
- ۱۷. به منظور جلوگیری از بدخوانی، اعراب بعضی از کلمات را آورده‌ایم.
- ۱۸. به منظور جلوگیری از خلط معنی کلمات، همزه حذف‌شده برخی از کلماتی که به حروف اضافه و ربط چسبیده‌اند را آورده‌ایم؛ مانند:
 - کین ← کاین
 - درین ← در این
 - بران ← بر آن
 - برین ← بر این
 - دران ← در آن
- ۱۹. فعل ربطی «ای» و «یای» نکره به صورت «یای بیان کسره» اضافه «ه» روی «های بیان کسره» انتهای کلمات مشاهده می‌شود. مانند:
 - خسته / بسته ← خسته‌ای / بسته‌ای (بیت ۵۹۹)
- ۲۰. ضمائر متصل مفعولی، بدون همزه ابتدایی به کلمات مختوم به «یا» و «های بیان کسره» چسبیده‌اند، مانند:
 - کرسیم ← کرسی‌ام (بیت ۴۰۲)
- ۲۱. افعال ربطی، بدون همزه به کلمات ماقبل که مختوم به «یا» هستند، چسبیده‌اند؛ مانند:
 - فردوسیم ← فردوسی‌ام (در ابیات ۳۹۲ و ۴۰۱)

پی‌نوشت

- * عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور.
- ۱. شماره ادبیات، منطق با رساله دکتری نگارنده مقاله، در تاریخ

- شاه‌تھماسب اول، ۱۳۴۳ هـ.ق، تذکره شاه‌تھماسب، شرح وقایع و احوالات زندگانی شاه تھماسب صفوی، به قلم خودش. به اهتمام عبدالشکور. برلین (آلمان): ؟.
- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۷۵، تاریخ ادبیات در ایران. تهران: امیرکبیر.
- _____، ۱۳۵۶، خلاصه تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران، از آغاز تا پایان عهد صفوی. چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- _____، ۱۳۷۴، گنج سخن، شاعران بزرگ پارسی‌گوی و منتخب آثار آنان، از رودکی تا بهار. تهران: ققنوس.
- _____، ۱۳۷۹، حماسه‌سرایی در ایران. تهران: امیرکبیر.
- فخرالزمان قزوینی، ملاعبدالنبی، ۱۳۶۳، تذکره میخانه. تصحیح و تنقیح و تکمیل تراجم، به اهتمام احمد گلچین معانی. چاپ چهارم، تهران: اقبال.
- فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ۱۳۰۵، جلد ۳. مشهد: مطبعه نوبهار. و جلد ۷، ۱۳۴۶، احمد گلچین معانی. مشهد.
- فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، زیر نظر محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار. نشریه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، دفتر هفتم. تهران.
- فهرست میکرو فیلم‌ها و نسخ خطی موزه ملی ایران، ۱۳۷۴، به کوشش محمدرضا ریاضی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای ملی، ۱۳۵۳، ابن‌یوسف شیرازی و عبدالحسین حایری. تهران: چاپخانه مجلس.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۱۳۵۱، احمد منزوی. جلد چهارم. تهران.
- فهرستواره کتاب‌های فارسی، ۱۳۷۴، احمد منزوی، جلد چهارم.
- قزوینی، ابوالحسن، ۱۳۶۷، فوایدالصفویه، تاریخ سلاطین و امرای صفوی پس از سقوط دولت صفویه. تصحیح، مقدمه و حواشی، مریم میراحمدی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- قزوینی، محمد، ۱۳۱۳، بیست مقاله، از مقالات تاریخی و انتقادی و ادبی (جزء دوم). به اهتمام عباس اقبال. تهران: مطبعه مجلس.
- قمی، قاضی احمد، ۱۳۵۹، خلاصه التواریخ. تصحیح احسان اشراقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. جلد اول.
- محمدمظفر حسین، متخلص به صبا، بی تا، تذکره روز روشن، مشتمل بر توضیحات مختصری درباره تراجم (۲۴۱) شاعر قدیم و جدید.
- منشی ترکمان، اسکندریبک، ۱۳۵۰، تاریخ عالم‌آرای عباسی. به

- کوشش ایرج افشار. چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، با همکاری شرکت کتابفروشی تأیید اصفهان. ۲ جلد.
- منشی قزوینی، بوداق، ۱۹۹۹ م، جواهرالآخبار (تاریخ صفویه از آغاز تا سال ۹۸۴ هـ.ق). به کوشش محمد رضا نصیری و کوئیچی هانه دا. توکیو: مؤسسه مطالعات فرهنگ و زبان‌های آسیا و آفریقا.
- نفیسی، سعید، ۱۳۴۴، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی. تهران: کتابفروشی فروغی.
- نوایی، عبدالحسین، ۱۳۶۸، شاه‌تھماسب صفوی، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی. تهران: ارغوان.
- هدایت، رضاقلی‌خان، ۱۳۳۹، مجمع‌الصفاء. به کوشش مظاهر مصفا. تهران: امیرکبیر. ج ۱: ۱۳۶۳، بخش اول از ج ۲.

ب. مجلات

- نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه‌های خطی. زیر نظر محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار. چاپخانه دانشگاه تهران، جلد دوم سال ۱۳۴۰-۱۳۴۱، تهران، ۱۳۴۱.
- وحید (مجله ماهنامه). سیف‌الله وحیدنیا. شماره دوازدهم، سال هفتم، خرداد ۱۳۶۳.
- یادگار (مجله). عباس اقبال آشتیانی.
- ب. خارجی
- آکادمی علوم، ۱۹۶۱ م، زندگینامه: فهرست نسخه‌های خطی تاجیکی و فارسی - انیستیتو نرادوف ازین. ازین. د. میکلاو مکلاوی. چاپ دوم، شرح حال نویسندگان. مسکو (به روسی).

- Catalogue of Persian Manuscripts in British Museum by Charles Rieu. vol I London ۱۹۶۶-۱۹۳۳ Pp. vol II London ۱۹۶۶. Pp. ۴۳۳-۸۷۷. vol III London ۱۹۶۶ Pp. ۸۸۱-۱۲۲۹.
- Catalogue of the Library of the India Office Vol. II, part VI, Persian Books by A]. Arbery, I. itt D. London ۱۹۳۷, ۵۷۱ Pp.
- Catalogue of the Persian printed books in British Museum. By, Edward Edwards, M. A. ۱۹۲۲. P.۹۶۸.
- Ehsan Yar-shater, Safavid Literature: Progress or Decline. Iranian Studies. VOL. VII. Nos. ۱-۲ Winter-Spring ۱۹۷۴.
- Sukumar Ray "Humayun in Persia" The Royal Asiatic Society of Bengal, Calcutta, ۱۹۴۸.